

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 22, No. 9, Autumn 2022, 413-440
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37589.2319

A Critique of the Epistemology of Contingency Management from a Quranic Perspective

Ali Aqa Safari*

Abdullah Tavakkoli**

Abstract

Contingency management claims that there is nothing as the best universal principle in management. Considering the outcomes of the contingency approach, its epistemology must be analyzed from the perspective of the Quran using the interrogative/ cross-examination [*istintaqi*] method to express the propositions of the revelatory word in rejecting, confirming, correcting, and completing the epistemology of contingency management as we can eliminate its epistemological shortcomings relying on them. The research findings indicate that epistemology in contingency management is based on objective and sensory knowledge and ignores supernatural causes and factors in explaining natural propositions. The Quran, while pointing to the shortcomings of contingency management, considers the subject of knowing God, human-being, nature, and understanding how they are interdependent, and emphasizes that human-being and the environment affect and influence each other visibly and invisibly, and therefore human-being must take his/her advantage using networking tools by combining a horizontal view of the relationship between phenomena and a vertical and longitudinal view and their relationship with their

* Assistant Professor of Quran and Sciences (Orientation in Management), Al-Mustafa International University, Qom, Iran, (Corresponding Author) a.a.safari1364@gmail.com

** Associate Professor, Department of Management, Research Institute of Hawzeh and University, Tehran, Iran, atavakkoli@rihu.ac.ir

Date received: 08/07/2022, Date of acceptance: 03/11/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

creator. The results indicate that the Quran, in addition to reason and empirical findings, emphasizes that the best methods that lead to greater efficiency cannot be presented without revelation.

Keywords: Holy Quran, Contingency Management, Epistemology, Critique.

نقد معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر قرآن^۱

علی آقا صفری*

عبدالله توکلی**

چکیده

مدیریت اقتضایی، مدعی است که در مدیریت، چیزی به نام بهترین اصول جهان‌شمول وجود ندارد. با عنایت به ره‌آوردهای رهیافت اقتضایی، ضروری است که معرفت‌شناسی آن، از منظر قرآن با بهره‌گیری از روش استنتاجی، مورد تحلیل قرار گیرد؛ تا ضمن بیان گزاره‌های کلام وحی در رد، تأیید، اصلاح و تکمیل معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی، با تمسک به آنها کاستی‌های معرفتی شناسی آن را برطرف نمود. یافته‌ها نشان می‌دهد که معرفت‌شناسی در مدیریت اقتضایی مبتنی بر معرفت عینی و حسی بوده و علل و عوامل فراطبیعی را در تبیین گزاره‌های طبیعی نادیده گرفته است. قرآن ضمن اشاره به کاستی‌های مدیریت اقتضایی موضوع معرفت را خدا، انسان، طبیعت و درک چگونه وابستگی و پیوستگی آن‌ها دانسته و تأکید می‌کند که انسان و محیط به شکل پیدا و پنهان از همدیگر تأثیر گرفته و بر یکدیگر اثر می‌گذارند و در نتیجه انسان می‌بایست با بهره‌گیری از ابزار شبکه‌ای از طریق ترکیب نگاه افقی به رابطه پدیده‌ها با هم و نگاه عمودی و طولی و رابطه آن‌ها با خالقشان سهم خود را اخذ نماید. نتایج بدست آمده بیانگر آن است که قرآن علاوه بر عقل و یافته‌های تجربی، تأکید دارد که نمی‌توان بدون وحی بهترین روش‌هایی را که منتهی به بهره‌وری بیشتر می‌گردد ارائه نمود.

* استادیار قرآن و علوم (گرایش مدیریت)، جامعه المصطفی العالمیه (ص)، قم، ایران (نویسنده مسئول)،
a.a.safari1364@gmail.com

** دانشیار گروه مدیریت، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران، atavakkoli@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، مدیریت، مدیریت اقتضایی، معرفت‌شناسی، نقد.

۱. مقدمه

معرفت‌شناسی (Epistemology) علم مشخص‌کننده‌ی پایه‌های معرفت و نظریه و آشکارکننده وزن و ارزش فهم است. از آنجا که این دانش مربوط به درک فلسفی ماهیت، منابع، حدود موضوع و اعتبار معرفت می‌باشد، نقش محوری در ادراک فراگیر تصویری و تصدیقی دارد. در باره‌ی اهمیت آن، همین بس که همواره نگاه اندیشمندان را به خود معطوف ساخته و نقش تعیین‌کننده در ظهور فلسفه‌های اجتماعی، جریان‌های فکری، مکاتب اجتماعی، ایدئولوژی‌ها و نهضت‌ها و پویا و رویش نحله‌های علمی گوناگونی دارد که در درون جامعه‌ی بشری قد برافراشته و هرکدام داعیه‌دار جهان‌بینی و جهان‌شناسی و جهان‌آرائی منحصر به خود است. اهمیت معرفت‌شناسی در حوزه‌ی بینش‌ها و نگرش‌ها از آن جهت روشن و مبرهن می‌باشد که هرکدام مبتنی بر نوع معرفتی که از پدیده‌ها و واقعیت‌های هستی دارند، پایه‌ریزی و ایجاد شده‌اند. (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۳۹-۳۴۱) از این رو گفته‌اند معرفت‌شناسی به ماهیت علم و کیفیت معرفت آن در ابعاد مختلف می‌پردازد و به دنبال پاسخ‌گویی به پرسش‌های نظیر چه می‌توانیم بدانیم، کیفیت و چگونگی دانستن ما چیست و چه ابزاری جهت درک اعتبار و درستی دانش فراهم آمده ما در دسترس است (نوریس، ۱۳۸۹: ۱۱) و انسان‌ها چگونه تولید دانش می‌کنند؟ معیارهای تمایز دانش خوب از بد چیست؟ چگونه باید واقعیت را نمایش داده و توصیف نمود؟ (هچ، ۱۳۸۹: ۴۳) و مانند آن، است. در نگرش معرفت‌شناسی پاسخ به این نوع از پرسش‌ها در هر علمی لازم است تا از این طریق ماهیت و درستی و نادرستی معرفت آن، روشن گردد. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی (Contingency management) به عنوان یکی از مهم‌ترین مکاتب مدیریت، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ تا از این رهگذر ضمن بیان نقاط قوت مدیریت اقتضایی در مقایسه با مکاتب پیشین، کاستی‌ها و خلأهای آن نیز از منظر کلام وحی مشخص گردد. از این رو دغدغه اصلی تحقیق پاسخ‌گویی به این پرسش است که نقد معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر قرآن چیست؟ و کلام وحی در رد، تأیید، اصلاح و تکمیل مباحث مربوط به معرفت‌شناسی مکتب یاد شده، چه گزاره‌هایی را ارائه نموده است که می‌توان با تمسک

به آنها خلأ و کاستی‌های معرفتی شناسی مدیریت اقتضایی را برطرف نموده، جامعیت و مرجعیت علمی قرآن در حوزه مباحث سازمان و مدیریت به‌ویژه معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی را نشان داد؟ نگارندگان با عنایت به طرح پرسش‌های قرآنی مانند: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟!» (زمر: ۶) نیز با عنایت به واژه‌های وحیانی درباره‌ی تمایز بینا و نابینا، تاریکی و روشنی، زندگان و مردگان (فاطر: ۶۳) و مانند آن که تأکید بر اهمیت شناسایی و ترغیب به فراگیری دانش و درک ماهیت معرفت، موضوع، منابع و اعتبار ابزارهای معرفت‌اندوزی دارند؛ رهیافت مدیریت اقتضایی را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند.

۲. پیشینه تحقیق

معرفت‌شناسی در حوزه علوم مختلف از قدمت بسیار طولانی برخوردار بوده و در بازه زمانی به اندازه تاریخ علم مورد عنایت واقع شده و از ابعاد مختلف مورد مطالعه و کنکاش قرار گرفته و در این زمینه آثاری چون: «در آمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر» (موزر، ۱۳۸۵) و «معرفت‌شناسی» (قلی‌پور، ۱۳۸۱: س ۴/ ش ۱۳) و «مسئله معرفت» (مطهری، ۱۳۷۳) و «معرفت‌شناسی از نگاه کانت و ملاصدرا»، مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، (گائینی، ۱۳۹۰)، نگاهی به معرفت‌شناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی، (حسن میرزایی اهرنجانی، محمدعلی سرلک، ۱۳۸۴)؛ انسان در اسلام و مکاتب غرب، (حلبی، ۱۳۷۴)؛ پنج گفتار، (رحیم پورازغدی، ۱۳۹۲)؛ «بررسی گستره معرفت‌شناسی انسان از دیدگاه فلاسفه مکتب ایده‌الیسم و استلزامات تربیتی آن»، پژوهش‌های اسلامی، (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸)؛ «پارادایم اسلامی روش‌شناختی علوم انسانی»، اسلام و علوم اجتماعی، (کافی، ۱۳۹۳)؛ نظریه‌های ساختاری در پارادایم تعلیم و تربیت ساختاری، (مرزوقی، ۱۳۹۸)؛ پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، (مصباح یزدی، ۱۳۹۱)؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، (همان، ۱۳۹۱)؛ مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (جهان‌بینی توحیدی)، (مطهری، ۱۳۹۳)؛ اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن، (نقی‌پورفر، ۱۳۹۴)؛ «جایگاه ارزش‌ها در تئوری‌های مدیریت»، (هدایتی، ۱۳۸۱)؛ نظریه‌های جامعه‌اطلاعاتی، (وبستر، ترجمه مهدی داودی، ۱۳۸۴) و مانند آن را می‌توان از سابقه‌ی عام این حوزه علمی دانست که به صورت جسته و گریخته به

مباحث معرفت‌شناسی به صورت عام پرداخته‌اند؛ اما مطالعات نشان می‌دهد که با وجود اهمیت معرفت‌شناسی در تئوری سازمان و مدیریت و گذشت دو دهه از ورود این بحث در حوزه مطالعات مدیریت؛ اما تاکنون مطالعه مستقلی در مورد معرفت‌شناسی با رویکرد اقتضایی به مدیریت انجام نگرفته است. بنابراین تحقیق حاضر هم از لحاظ دانشی داده‌های ارزشمندی درباره معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منابع مدیریت جمع‌آوری و سامانمندی نموده و هم از منظر قرآن کریم کار جدید و نوی ارائه کرده است که می‌تواند بستر مطالعات قرآن کریم با رویکرد مدیریت را هموار نموده، غنا و جامعیت این سند راهبردی را اسلام را تبیین و تشریح نماید.

۳. مبانی نظری و تجربی تحقیق

لازم است تصویر روشنی از مبانی نظری و تجربی تحقیق ارائه شود.

۱.۳ معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی دانشی است که به مطالعه فلسفی ماهیت، منابع، قلمرو و حدود، موضوع و اعتبار معرفت می‌پردازد (موزر، ۱۳۸۵: ۱۹) و همچنین اندیشمندان در تعریف آن به نوع خاصی از مهارت، آشنا شدن با چیزی یا کسی و ارائه‌ی اطلاعات در باره‌ی مسئله و پدیده‌ای تأکید دارند (لرر، ۱۳۹۶: ۳۳-۳۴).

بنابراین معرفت‌شناسی دانشی است که پایه‌های معرفتی، راه درک واقعیت، قلمرو موضوع و اعتبار منابع را مشخص می‌سازد. با عنایت به این تعریف و ویژگی‌های انسان روشن می‌شود که معرفت‌شناسی یکی از دانش‌های مورد علاقه‌ی بشر در همه‌ی قرون و اعصار بوده و نقش و آثار ارزنده‌ای در زندگی اجتماعی دارد؛ زیرا علم مربوط به درک و دریافت حقایق نسبت به خود و دیگران و پدیده‌های ارزشمند پیرامون است.

۲.۳ مدیریت اقتضایی

مدیریت اقتضایی، مفهوم تکامل‌یافته‌ی مدیریت سیستمی است. در نگرش سیستمی مدیریت با موضع‌گیری عینی‌گرایی و با معیار عقلانیت ارزیابی می‌شود. (هچ، ان ال، ۱۳۸۹:

۹۸) در رهیافت اقتضایی، تأکید بر اجتناب از اصول جهان‌شمول و اهتمام بر آن است که واکنش‌های مدیریتی با مسائل و فرصت‌ها و وضعیت‌های گوناگون، هماهنگ گردد. (رضائیان، ۱۳۹۲: ۶۹) از این منظر هر شیوه و روشی وابسته به موقعیت دیده و سنجیده می‌شود (الوانی، ۱۳۸۵: ۸؛ رضائیان، ۱۳۸۸: ۶۹).

از این رو مدیریت اقتضایی توصیه به رفتار و اقدام و بهره‌گیری مطلوب از تکنیک‌های متنوع مدیریتی بر اساس وضعیت دارد (کریتنر، کینیکس، ۱۳۹۰: ۳۷) و می‌توان گفت: نگرشی است که عملکرد مدیر را در هر زمان، متناسب با وضعیت و موقعیت و مجموعه شرایط فعالیت‌ها ارزیابی می‌کند.

۳.۳ معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی

در این بخش معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی در عرصه موضوع، ابزار، منابع و اعتبار بامراجعه به دیدگاه صاحب‌نظران اقتضایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱.۳.۳ ماهیت

فهم و درک ماهیت معرفت‌شناسی منوط و وابسته به این است که این مسئله در درون یکی از رویکردهای اثبات‌گرایی، ضد اثبات‌گرایی و ساختار شکن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. رویکرد اثبات‌گرا، بر پایه‌ی حقیقت و ماهیت رهیافت‌های سنتی حاکم بر علوم طبیعی استوار است (بوریل، مورگان، ۱۳۸۳: ۱۵).

نگرش حاکم در این بینش آن است که علوم اجتماعی به دلیل ماهیت نسبی که دارد بایست جدا از علوم طبیعی در نظر گرفته شود؛ زیرا تمایز اساسی میان علوم اجتماعی و طبیعی از لحاظ ماهوی و جوهری وجود دارد (بوریل، مورگان، ۱۳۸۳: ۱۶). رویکرد ساختار شکن، مدعی است که رویکرد ضد اثبات‌گرا و تفسیری که عاری از تبارشناسی تاریخی بوده ناقص و ناتمام است و نمی‌توان به آن اتکا و اکتفا کرد (گائینی، ۱۳۹۰: ۱۱۵-۶۳).

معرفت‌شناسی در مدیریت اقتضایی ماهیت عینیت‌گرایی دارد و در اردوگاه اثبات‌گرا (Positivist) که تنها آنچه قابلیت تجربه حسی و آزمایش می‌باشد را علم دانسته و قابل پیگیری است (معلمی، ۱۳۸۸: ۱۷۳). از این منظر انسان‌ها و سازمان‌ها موجودیت‌های

ملموس و واقعی و قابل مطالعه هستند و امکان تحلیل و تبیین آن‌ها از طریق طبقه‌بندی و اندازه‌گیری علمی و ادراک حسی وجود دارد (هیچ، ۱۳۸۹: ۴۳؛ گائینی، ۱۳۹۰: ۶۳).
با عنایت به این مطالب ماهیت معرفت‌شناسی در رهیافت اقتضایی با مشخصه‌ی ماهیت عینیت‌گرایی که فراتر از حواس پنج‌گانه نرفته و در محدوده طبیعت خلاصه می‌شود، قابل طرح و بحث است. نگرش اقتضایی به دنبال این است که منفعت عینی را جهت کسب حداکثر سود و رفاه هرچه بیشتر دنیوی انسان در دستور کار خویش قرار داده و شعار تجربه‌گرایان را که می‌گویند: «هیچ پدیده‌ای در عقل نیست که پیشاپیش در حواس نبوده باشد»، محقق سازد (علیزاده، ۱۳۸۵: ۱۰۸؛ مارتین، ۱۳۹۴: ۱۵۲).

۲.۳.۳ موضوع

رهیافت اقتضایی تأکید دارد که تعامل سازمان با محیط (سید جوادین، ۱۳۹۰: ج ۲، ۸۴۹) جهت ادامه حیات (ایران‌نژاد، ساسان گهر، ۱۳۹۰: ۹۷) از طریق سازگاری و انطباق و مکانیسم تأمین منابع ورودی و مصرف باز داده‌های خروجی، (رضائیان، ۱۳۹۲: ۶۳) میسر می‌گردد. (نیکو اقبال، ۱۳۷۸: ۵۲) از آنجا که دو تن از کسانی که دیدگاه اقتضایی را در مدیریت مطرح کرده‌اند. «لارنس و لورش»، به این باورند که محیط‌های گوناگون، الزامات مختلفی را در سازمان‌ها ایجاد می‌کنند. (اسکات، ۱۳۸۷: ۱۵۲) در این نگرش تأکید بر آن است که تصمیم‌گیری درست منوط و وابسته به معرفت کامل از محیطی است که سازمان در آن فعالیت می‌کند.

در نتیجه می‌توان گفت: موضوع معرفت در مدیریت اقتضایی، محیط و عوامل تأثیرگذار محیطی بر سازمان است. بر پایه‌ی مطالب ارائه شده روشن شد که نظریه‌پردازان مدیریت اقتضایی، سازمان را به مثابه مجموعه‌ای از ساختارها، کنش‌ها و به عنوان حوزه تأثیر و تأثر عوامل محیطی، مورد مطالعه قرار داده‌اند (میرزایی اهرنجانی، سرلک، ۱۳۸۴: ۷۴).

۳.۳.۳ ابزار

مدیریت اقتضایی مکانیسم‌هایی را برای معرفت موضوع در نظر گرفته است که می‌توان از آن به سیستمی و شبکه‌ای تعبیر نمود (میرزایی اهرنجانی، سرلک، ۱۳۸۴: ۷۵)؛ ولی پیروان این مکتب به این باورند که برای معرفت محیط و عوامل تأثیر گزار؛ نمی‌توان به چند متغیر

و عامل مستقل یا وابسته بسنده کرد؛ زیرا معرفت ابزارها برای عملکرد مدیر در هر زمان باید با توجه به مجموعه شرایط فعالیت وی ارزیابی شود؛ بنابراین معرفت و نحوه‌ی کاربرد ابزار و فنون در عمل به وضعیت بستگی دارد (رضائیان، ۱۳۹۲: ۶۹).

به صورت مشخص‌تر در تئوری آشوب که از نظریات اقتضایی و حاصل یافته‌های ریاضیدانان «ادوار لورنز و جیمز یورک» است، اهتمام خاصی درباره ابزار معرفت و بازخورد حاصل از ارزیابی محیط، بر سیستم‌های سازمانی شده است. در این نگرش تأکید بر این است که در رفتار ظاهراً تصادفی پدیده‌های مختلف نیز نوع نظم ذاتی یافت می‌شود یعنی در هر بی‌نظمی، الگویی از نظم وجود دارد و برای معرفت آن بایست توجه داشت که هر سیستم پیچیده، زندگی خاصی دارد و از قواعد ویژه‌ی پیروی می‌کند. این صاحب‌نظران تصریح دارند که آشفته‌ترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین پدیده‌ها نیز همواره در محدوده‌ی مرزهای معینی حرکت می‌کنند (رضائیان، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹) از این منظر به سیستم و کل پیچیده‌ای متشکل از اجزایی دینامیکی باید با توجه به نقش و کاربردی که در کل دارند نگرین (حقیقی، ۱۳۹۲: ۱۲۳) و این اساسی‌ترین نقد نگرش اقتضایی بر مکاتب پیشین بوده و بر همین مبنا پال و هرسی بلانچارد تصریح و تأکید کرده‌اند که مدیر باید به‌صورت مرتب شیوه و رهبری خود را تغییر دهد (قاسمی، ۱۳۹۰: ۴۶۵). بدیهی است که لازمه آن درک درست ابزارها و به‌کارگیری مطلوب آنهاست.

۴.۳.۳ منبع

نظریه‌پردازان مدیریت اقتضایی درباره منبع معرفت سخنی خاصی ارائه نکرده‌اند؛ لکن می‌توان از یافته‌ها و نظریات آنان فهمید که از این منظر عقل، پدیده‌های عینی، طبیعت و محیط (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۵) محوری‌ترین منابع معرفت می‌باشند. اساسی‌ترین دلیل برای اثبات مدعا تأمل در یافته‌های مطالعاتی استاکر، برنز، لارنس و لورش و فیدلر است. اینان علاوه بر عقل و یافته‌های تجربی، پدیده‌های عینی و حسی را از منابع معرفت قرار داده و تمرکز بر منطقی بودن کنش‌ها با توجه به محیط بیرونی دارند. (الوانی، ۱۳۸۵: ۱۹) به شکل مشخص‌تر لارنس و لورش تأکید و تجویزشان این است که در شرایط ثابت چارچوب کلاسیک مؤثرتر است و در محیط‌ها و شرایط در حال تغییر استفاده از طراحی انسانی تأثیر بیشتری خواهد داشت (همان) برآیند مطالب بیان شده و

یافته‌های مطالعاتی این است که در مدیریت اقتضایی عقل، تجربه و محیط؛ محوری‌ترین منابع ساخت می‌باشند.

۵.۳.۳ اعتبار

مدیریت اقتضایی درباره معرفت کامل از ماهیت محیطی که سازمان‌ها با آن در ارتباط‌اند و نیز درک پیچیدگی‌های اجزا، مؤلفه‌ها و اعتبار معرفت و کشف روابط آن‌ها (میرزایی اهرنجانی، سرلک، ۱۳۸۴: ۷۶) فراتر از مکاتب پیشین اهتمام نموده است.

با اینکه شعور متعارف پاره‌ی از این گزاره‌ها را تصدیق و تأیید می‌کند ولی برخی بر آن خرده گرفته و بدین باورند که مدیریت اقتضایی در حوزه‌ی موضوع شناسی و بهره‌گیری لازم از ابزارهای مناسب و از منابع مطمئن علمی از معرفت‌شناسی قابل اعتبار برخوردار نیست (رضائیان، ۱۳۷۶: ۱۰)؛ زیرا مجموعه‌ای از مفاهیم، اصول و مشخصات در راستای دستیابی به مکانیسمی برای معرفت علل مسائل پیچیده اجتماعی - سازمانی و یافتن راه‌حل‌های مناسب، (صادق پور، ۱۳۸۵: ۹۴) و مشخص‌کننده‌ی اینکه کدام تکنیک و روش در کدام موقعیت و شرایط معین و زمان معلوم می‌تواند به بهترین وجه به اهداف برساند در این مکتب مشخص نشده است.

در بحث اعتبار معرفت‌شناسی، پرسش اساسی این است که دیدگاه اقتضایی از چه سبک و روش و اصول و قوانینی برای کارایی و اثربخشی سازمان استفاده می‌کند؟ در پاسخ این پرسش برخی از صاحب نظران گفته‌اند رهیافت اقتضایی در وضعیت فعلی خود واقعاً چیزی بیش از مجموعه گزاره‌هایی که با بی‌دقتی سازمان یافته‌اند، نیست. (بوریل، ۱۳۸۳: ۲۳۲).

جدول ۱. معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی

معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی		
ردیف	عنوان	یافته‌ها
۱.	ماهیت	ماهیت معرفت مادی و حسی گرا مبتنی بر اثبات‌گرایی عینی‌گرایانه است
۲.	موضوع	موضوع معرفت محیط، پدیده‌ها و عوامل محیطی است
۳.	ابزار	ابزار معرفت شبکه‌ای بوده و صرفاً نگاه افقی به پدیده‌ها دارد
۴.	منبع	منبع معرفت عقل، حس و یافته‌های تجربی، پدیده‌های عینی، عینیت‌های بیرونی است
۵.	اعتبار	اعتبار معرفت، نسبت به مکاتب پیشین معتبر و لکن محدود است

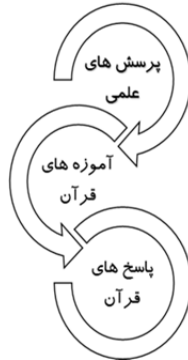
۴. روش تحقیق

واژه‌ی «استنطاق» مصدر باب استفعال از ریشه «نطق» به معنای «طلب نطق کردن» تبیین و توضیح و سخن گفتن با شخصی و فرد ذکر شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۱۰، ۳۰۵؛ فیومی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۹۱۱)، طریحی، ۱۳۷۵: ج ۵، ۳۲۸).

معنای استنطاق معادل با تفسیر موضوعی گرفته شده است که از منظر شهید صدر مقصود از استنطاق به این معنا آن است که پژوهشگر باید توانایی این را داشته باشد که ضمن بررسی و مطالعه وضعیت جامعه‌ی هر عصر و زمانی، مسائل و موضوعات آن را کشف و استخراج کند و پس از آن آن‌ها را به صورت پرسش‌های منظم به ساحت قدسی قرآن کریم عرضه نماید و از آموزه‌های وحیانی پاسخ آن‌ها را دریافت کند. (صدر، ۱۴۲۴: ۲۸).

«استنطاق» روش تفسیری است که از آن با عنوان «روش تفسیر توحیدی یا موضوعی» یاد کرده و در تأیید روش یاد شده به سخن حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) استناد می‌کند که فرمود: «ذَلِكَ الْقُرْآنُ، فَاسْتَنْطِقُوهُ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۵۸).

پژوهش در پیش رو، با روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای سامان‌یافته و روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات به این صورت است که نخست درباره‌ی مسئله‌ی موردنظر سؤال طرح شده، سپس در راستای پاسخ به آن به سراغ مطالعه و تحقیق در منابع دست اول از تفاسیر قرآن کریم، کتاب‌های مدیریتی، پایان‌نامه‌ها، مجله‌های علمی، مقالات و نرم‌افزارها، رفته و پس از یادداشت‌برداری و گردآوری داده‌ها اطلاعات به‌دست‌آمده با روش استنطاقی شهید صدر به نقد و بررسی معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر قرآن کریم پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه آیات قرآن کریم در خصوص معرفت‌شناسی و جامعه نمونه با جامعه آمار تطبیق کامل دارد؛ زیرا سعی شده تا تمامی آیات قرآن که به موضوع تحقیق مرتبط هستند، مورد بررسی قرار گیرند.



نمودار ۲. فرآیند پژوهش با ابزار استنتاجی

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش بررسی و نقد قرآنی معرفت‌شناسی بر اساس چارچوبی که در مبانی نظری مطرح شده با کاربرست روش استنتاجی دنبال می‌شود.

۱.۵ نقد قرآنی ماهیت

در باره‌ی ماهیت معرفت و درک حقیقت امور، در کلام وحی تأکیدات و توصیه‌های شده است از جمله با پرسش استفهام انکاری می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹). به نظر می‌رسد یکی از نکات ظریف آیه، التفات به کمال و منزلت انسان بر اساس درک و معرفت است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۶، ۴۲۸) یافته‌ها نشان می‌دهد معرفت و آگاهی مطرح در این گزاره مربوط به خداوند است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۷، ۲۴۳) لیکن با بهره‌گیری از اطلاق می‌توان هر نوع معرفت را از منظر کلام وحی دارای ارزش و اعتبار دانست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۹، ۳۹۴)، افزون بر این در آیه‌ی دیگر درباره اهمیت معرفت و رفعت مقام آگاهان می‌خوانیم: «يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله: ۱۱). در آیات دیگر برای درک تفاوت جایگاه معرفت و تفاوت آن با ناآگاهی در نزد اهل خرد، از شیوه‌ی تشبیه دو مفهوم متضاد (کور و بینا) بهره گرفته است (رعد/۱۹).

بر اساس نص صریح کلام وحی (جائیه: ۲۴)، اعتماد و تکیه بر ظواهر دنیوی و معرفت حسی و مادی معقول و مشروع و مطلوب نبوده در بسیاری از موارد گمانه زنی‌های جاهلانه و خلاف واقع قلمداد می‌شود. از این رو مشاهده می‌شود که مفسران در ذیل آیه یادشده تصریح می‌کنند که معرفتی که مبتنی بر اوهام گرای، تخیل پرستی و گمانه‌زنی (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۹، ۱۱۸) مبتنی باشد نه تنها معرفت محسوب نمی‌شود بلکه جهالت و نادانی نسبت به آنچه که می‌گویند می‌باشد، چون که نظریه‌هایشان کورکورانه و تقلیدی است (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۵، ۱۰۸).

۲.۵ نقد قرآنی موضوع

بدون تردید معرفت محیط و عوامل تأثیرگذار آن نقش اساسی در رشد و شکوفایی سازمان‌ها دارند، لکن از منظر قرآن صرف معرفت محیط به‌تنهایی کفایت نمی‌کند؛ بلکه معرفت محیط و اقتضائات آن باید منتهی به معرفت مدبر و آفریننده کلان نظام هستی گردد (انعام: ۱۰۲-۱۰۱؛ فرقان: ۲ غافر: ۶۲).

پیام شفاف آیات شریفه ذکر شده و آیات مشابه دیگر همچون: (بقره: ۳۱، ۲۸۲؛ مائده: ۴؛ انبیاء: ۸۰) این است که انسان نباید در حین معرفت پدیده‌ها، از معرفت فاعل شناسا و معلمی که به او قدرت معرفت و معرفت داده، غافل بماند و باید بداند که کارگردان و مدیر و مدبر اصلی خدای یکتای بی‌همتا است که با رحمان بودنش جهان را اداره می‌کند.

بر پایه این اصل است که کلام وحی از بشر دعوت نموده است معرفت محیط و اقتضائات آن را زمینه و وسیله معرفت خالق و مدبر نظام هستی قرار دهند (بقره: ۱۶۴).

بنابراین معرفت نسبت به محیط و متغیرهای محیطی (از قبیل زمان، مکان، تکنولوژی و...) موجب معرفت و معرفت خالق و آفریننده آن گردد چون تعبیر به: (لآیات) در فرهنگ قرآن به مفهوم نشان الهی است که می‌توان با آن بر وجود خدا و اوصاف او استدلال کرد (و نسبت به آن معرفت پیدا نمود)، پس هریک از اموری که در این آیه شریفه از آیات الهی به شمار آمده، دلیل تام و مستقلاً برای اثبات خدای سبحان و صفات اوست. از این رو کسی که به دنبال معرفت می‌گردد باید از راه معرفت این عوامل، به مبدأ علم و قدرت یگانه که تمامی این «آوازه‌ها از او است»؛ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱، ۵۵۸)

معرفت حاصل کند یعنی از طریق معرفت انواعی از شرایط و عوامل محیطی به وجود خداوند و یگانگی آن پی ببرد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۴، ۱۵۲؛ ابن عاشور، بی‌تا: ج ۲، ۷۵). از این رو نمی‌توان نقش فاعل را نادیده گرفت بلکه باید معرفت آن‌ها موجب معرفت بیشتر خداوند متعال گردد و این امر با تأمل و تدبر در جهان خلقت و طبیعت که احاطه بر حیات او داشته و محیط بر زندگی اوست، حسب آیه ذکر شده امکان‌پذیر است و بشر با این نگاه به مطالعه و معرفت محیط باید روی آورد (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ج ۳، ۱۴۵). در اندیشه قرآن کریم کسی که می‌خواهد به معرفت و معرفت کامل برسد باید خدا، انسان، محیط و پیوند و ارتباط بین این‌ها را به خوبی بشناسد در آن صورت می‌توان مدعی شد که به معرفت مطلوب قرآن کریم رسیده است. از این رو است که قرآن کریم می‌فرماید: «سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» (فصلت: ۵۳). قرآن حکیم در آیه شریفه تصریح دارد که موضوع معرفت از منظر قرآن کریم، خداوند متعال (سُرِّبَهُمْ آيَاتِنَا)، محیط (الْأَفَاقِ)، و انسان (أَنفُسِهِمْ) می‌باشد. به عبارت دیگر آن‌چه که از منظر قرآن کریم به عنوان موضوع معرفت قرار گیرد باید با محوریت سه اصل حیاتی (خالق، محیط، انسان) باشد و زمانی معرفت کامل است که انسان رابطه او با هم‌نوعان، با خدا و با جهان را بشناسد و شکی وجود ندارد که روابط انسانی و مناسبات اجتماعی اوست که دشوارترین رابطه به لحاظ معرفتی، و سخت‌ترین مناسبات به لحاظ عملی است، زیرا انسان وقتی خود را در دریای وسیع و عمیق جامعه می‌بیند و نیازها و انتظارات جامعه را مشاهده می‌کند و نیز رسالت خود را نسبت به جامعه بررسی می‌کند، امر صعب، بلکه مستصعب و دشوار حیات اجتماعی سالم و پاکیزه را کاملاً احساس می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۸).

۳.۵ نقد قرآنی ابزار

قرآن کریم ابزار معرفت را چشم، گوش، قلب، عقل و وحی دانسته و در این باره می‌فرماید: «... إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسرا: ۳۶)؛ همچنین در آیه دیگری نیز می‌فرماید: «وَجَعَلْ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (نحل: ۷۸).

از منظر آموزه‌های وحیانی قرآن کریم نقدی که به ابزار معرفت مدیریت اقتضایی می‌توان وارد ساخت این است که مطالعه شبکه‌ای و اقتضایی این مکتب نیز محدود و منفصل از مبدأ و مقصد اشیا می‌باشد و این نمی‌تواند منتهی به معرفت جامع و کامل گردد؛ زیرا قرآن کریم به صراحت اعلام می‌دارد که در معرفت محیط باید در کنار معرفت طولی و عرضی از معرفت عمودی و طولی آن نیز استفاده کرد و نمی‌توان با مطالعه روابط عرضی اشیا با هم از روابط عمودی و طولی آن‌ها با خالق و آفریننده‌شان بی‌نیاز شد.

اصل بهره‌گیری از ابزار شبکه‌ای و اقتضایی برای کسب معرفت به نظر امر معقول و مورد تأکید بوده و نیاز هست که رابطه اجزا با هم کشف و مورد شناسایی قرار گیرند؛ چون تمام اوضاع جهان مرتبط به هم و مثل حلقه‌های زنجیر به هم بسته است و مثل تار و پود یک پارچه در هم پیوسته و یک وحدت جهانی را تشکیل می‌دهند (امین، بی‌نا: ۱۰ / ۳۲۲)؛ اما نکته دیگری که در این آیات (انعام: ۹۹؛ نحل: ۵-۸) تأکید شده و در مدیریت اقتضایی مغفول مانده مسئله رابطه اجزاء با خالقشان است.

کلام وحی با این منطق که نظام منسجم و یکپارچه هستی مدبر و کارگردان بی‌ظنیری دارد (انبیاء: ۲۲) تصریح می‌کند در زوایای گوناگون هستی که چنین برنامه‌ریزی دقیق حکم‌فرما است که آمد و رفت روز و شب، چرخش فصول چهارگانه و گردش منظم و بهت‌انگیز مهر و ماه و زمین و پیوند و ارتباط انسان با این مجموعه عظیم، را کارگردانی و اداره می‌کند نشان از مدبر دانا و توانای هستی دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۲۲۰) و این حقیقت را متذکر می‌شود که ساحت قدس آفریدگار هر لحظه با فاضله وجود و تجدد فیض بهر موجود و آفریده‌ای نظام جهان را تأمین می‌نماید و در اثر ارتباط موجودات و تأثیر و تأثر و فعل و انفعال آن‌ها در یکدیگر و هم‌چنین علل و اسباب و سائط فیض هستند که پروردگار آن‌ها را برای نظام جهان مسخر نموده است. (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ج ۱۸، ۳۸۴)

بنابراین کلام وحی تفکر مادی (مبتنی بر اثبات‌گرایی) را که خود را در حس و تجربه خلاصه کرده نقد نموده و تصریح می‌کند که تفکر مادی‌گرایی هرگز از راه حواس نمی‌تواند زمام موجودات را در دست خداوند مشاهده نماید و کار خداوند را که هدایت و رهبری به راه درست است دریابد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۴۲) قرآن حکیم افزون بر این در آیات (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: بقره: ۱۶۴؛ مؤمنون: ۱۴-۱۲؛ نساء: ۱؛ یس: ۴۰-۳۸؛

انفطار: ۸-۶؛ حجات: ۱۳) دیگری نیز استفاده از ابزار شبکه‌ای و اقتضایی را مورد تأکید قرار داده و فراتر از اندیشه مدیریت اقتضایی تأکید دارد که ابزار معرفت خلاصه در امور مادی و طبیعی نبوده و امور فرا مادی و معنوی را نیز در بر می‌گیرد.

۴.۵ نقد قرآنی منبع

با وجود اینکه در کنار طبیعت و پدیده‌های عینی از عقل و محیط به عنوان منبع معرفت در مدیریت اقتضایی بهره گرفته شده است، لکن هنوز اشکال محدودیت و انحصار در امور حسی و مادی بودن پابرجاست و اگر سخنی از عقل گفته می‌شود بیشتر عقل ابزاری و عقل منقطع از وحی مراد بوده و طبیعی است که حوزه فهم و درک آن نیز فراتر از جنبه‌های مادی و سود انگاری دنیوی نرفته و صرفاً در چارچوب نیل به اهداف و آرمان‌های مادی حرکت می‌کند و حال آنکه عقل در فرهنگ کلام وحی به مثابه چشم دیگری برای آگاه‌شدن نفس نسبت به حقایق است و اما در فرهنگ طبیعت‌گرایان، عقل به منزله عینک و یا سمعک برای چشم و گوش مادی است؛ یعنی عقل هرگز حقیقت جدیدی را ادراک نمی‌کند، بلکه همانند ابزار مادی صرفاً وسیله‌ای برای ادراک بهتر امور مادی است بدون آن که حقیقتی، افزون بر آنچه از طریق حس تحصیل شده، کشف کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۲۴۰)

از این رو می‌توان گفت بر پایه ره‌آوردهای وحیانی قرآن حکیم منابع معرفت جامع‌تر و بیش‌تر از آن است که صاحب‌نظران اربابان مدیریت اقتضایی مطرح نموده‌اند که در ذیل به برخی از مهم‌ترین منابع معرفت از منظر قرآن کریم اشاره می‌گردد.

۱.۴.۵ طبیعت به مثابه منبع معرفت

قرآن حکیم یکی از منابع غنی و قوی معرفت و آگاهی را طبیعت و نظام کیهانی معرفی کرده و به پیامبرش دستور می‌دهد که مردم را به سیر و سیاحت و مطالعه به این منبع سرشار از رمز و راز فراخواند. لذا می‌فرماید: «قُلْ أَنْظُرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (یونس: ۱۰۱). برابر این آیه شریفه پیامبر اکرم (ص) مأمور است که مردم را به مطالعه و تفکر در پدیده‌های آسمان‌ها و زمین توصیه کند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۷: ج ۷، ۳۹۶)

به اذعان فخر رازی این دستور دو مطلوب را دنبال می‌کند یک اینکه هیچ راهی برای معرفت خداوند متعال جز تدبر و تعقل در شواهد نظام هستی نیست و دوم اینکه دلیل‌ها و مدارک و شواهد نیز یا در قلمرو آسمان‌هاست یا در عالم زمین. علائم آسمانی حرکات مدارها، بزرگی‌ها و موقعیت‌های آن‌ها و خورشید، ماه و سیارات و فواید ویژه هر کدام از آن‌هاست؛ و در مورد شواهد زمینی، نیز ضمن بررسی شرایط و عناصر فوقانی عوامل و شرایط معدنی، گیاهی و انسانی هم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۷، ۳۰۶) همچنین در آیه دیگر می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا...» (انعام: ۱۱). صاحب مجمع‌البیان با استناد به این آیه شریفه می‌گوید در هنگام سفر در زمین از چشم ظاهر و باطن خود جهت کسب معرفت و معرفت استفاده کنید (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۴، ۴۳۰).

کلام وحی نه تنها به نگاه به زمین و آسمان و سیر در زمین دستور می‌دهد بلکه به این حقیقت نیز بشر را رهنمون می‌سازد که به کیفیت اشیا و حقایق نهفته در آفرینش آن‌ها نیز توجه نمایید. می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً... انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ...» (انعام: ۹۹).

آنچه که در این مطالعه و سیر در آفاق از بشر انتظار می‌رود این است که باورمند شود که جهان طبیعت و نظام ناگسستنی آفرینش و مخلوقات مختلف، گوناگون، رنگارنگ و متشتم همه آیه‌ای از آیات الهی برای معرفت ذات اقدس او است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ۱۲۷). بدون تردید ستارگان درخشان، مجموعه‌های مختلف آسمانی که هر یک در مدار مشخصی می‌چرخند، نظام واره‌های بزرگ، کهکشان‌های عظیم و نظام دقیقی که بر تمامی آن‌ها حاکم است، و نیز کره زمین با تمام شگفتی‌ها و اسرارش و این همه موجودات زنده متنوع و گوناگون (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸، ۳۹۳) منبع معرفت متقن و بی‌نظیری برای معرفت هرچه بیشتر خدای یکتای بی‌همتا بوده و بشر را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که طبیعت و دارایی‌های آن باید وسیله و ابزاری باشند برای معرفت کامل‌تر و تام‌تر از او.

بر اساس این تحلیل می‌توان گفت آیات یاد شده و آیات ناظر بر این مباحث، طبیعت را واقع‌نما دانسته و معرفت ناشی از آن را دارایی ارزش نظری و معرفتی تلقی می‌کند چون کارکرد طبیعت این است که عین را آن‌گونه که هست به ما نمایان می‌سازد (مطهری، ۱۳۷۳:

۶۲) نه آن‌گونه که نظریه‌پردازان مدیریت اقتضایی بر پایه تفکر اثبات‌گرایی انتظار دارند؛ زیرا دغدغه اصلی آنان از معرفت طبیعت مبتنی بر این است که بتوانند بر آن تسلط پیدا کنند و از منابع محدود آن بیشترین سود را ببرند.

قرآن کریم با طرح پدیده‌های طبیعت در صدد این است به انسان‌ها تفهیم نماید که این کارها را خدا انجام داده است؛ بنابراین «تأکید قرآن به معرفت خدا رسیدن از راه معرفت طبیعت است». (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۱۰۳) نه حصر در طبیعت و معرفت طبیعت برای طبیعت و به نظر تمام تلاش و کوشش مدیریت اقتضایی این است که طبیعت را به‌خوبی بشناسد برای اینکه از او نهایت بهره ببرد. و حال آنکه قرآن کریم می‌فرماید طبیعت را وسیله و ابزاری قرار بدهید؛ تا ضمن استفاده مطلوب از آن خالق و آفریننده او را بهتر بشناسید.

۲.۴.۵ عقل به مثابه منبع معرفت

واژه «عقل» در لغت به مفهوم حبس، ضبط، منع و امساک به کار رفته است و هنگامی که درباره انسان به کار گرفته می‌شود، به معنای کسی که هوای نفس خود را حبس نموده می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۸، ۲۳۷) بعضی عقل را نقیض جهل معنا کرده (فراهیدی، ۱۴۰۹: ج ۱، ۱۵۹) و در مورد انسانی که به حفظ زبان‌ش همت گمارد هم گفته می‌شود که زبان خویش را عقال نموده (ابن منظور، ۱۴۱۴: ج ۹، ۳۲۶) و نیز به مفهوم تدبیر، حسن فهم، ادراک و انزجار به کار رفته است. (مصطفوی، ۱۳۶۸: ج ۸، ۲۳۷) البته آنچه که در همه‌ای تعاریف مطرح شده از این واژه وجود دارد همان عقال کردن و دربندکشیدن هوای نفس می‌باشد تا از این رهگذر انسان قدرت تشخیص حق از باطل را پیدا نموده به فهم و درک صحیح از حقایق نائل گردد.

پیام شفاف آیه ۱۵۱ انعام و دیگر آیات مشابه (حجرات: ۴؛ ملک: ۱۰) این است که عقل ممانع و رادع نفس از افتادن و گرفتار شدن در دام خودبینی و هوس‌مداری است. (طبرسی، ۱۴۱۲: ج ۴، ۴۸۵).

در زمینه مفهوم اصطلاحی عقل دیدگاه‌ها متفاوت است؛ برخی عقل در روایات را به معنای عقل نظری، عملی و جوهری می‌دانند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۲۲۵) و بعضی، آن را به مفهوم عاقبت‌اندیش گرفته‌اند، (غزالی: ج ۳، ۱۰۲) با توجه به این که

درخصوص درک درست و فهم بهتر معارف این کتاب جامع و جاوید، نگاه به برداشت‌های مردمان عصر نزول ضروری است؛ یعنی به دیگر سخن، تبادر و تفاهم عرفی عصر نزول، معیار صحیح در مورد معرفت مفاهیم قرآن کریم می‌باشد، (خسروپناه، ۱۳۹۰: ۹۶) عقل یک منبع ادراکی و معرفتی است؛ اما نه صرفاً منبعی برای فهم و معرفت، بلکه وسیله‌ای که انسان را به بندگی و عبودیت برساند. به عبارت دیگر، هدف قرآن کریم در پیوند عقل نظری و عقل عملی (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۸۱) است.

در آیه کریمه ۲۴ روم به نقش و کارکردهای عقل در دیدن نشانه‌های خدا اشاره شده و به صراحت تصریح نموده است که (تنها) اهل تعقل می‌دانند که یک عنایتی به این نظام کیهانی مملو از مصلحت وجود دارد که تجربه حسی به تنهایی قادر به درک آن نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۶، ۲۵۳)؛ زیرا بدیهی است که هیچ‌گاه، بدون بهره‌مندی از قانون عقلی یقین آور نبوده (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۱۵-۳۱۴) و فقط زمینه و بستری هست برای این‌که عقل (برای درک درست محسوسات) به تدبر و تفکر (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۷۶۵) دقیق‌تر و عمیق‌تر پردازد و انسان‌ها را تشویق کند که عقل‌هایشان را در کشف چگونگی تکون محسوسات به کارگیرند تا کمال قدرت و حکمت سازنده آن‌ها برایشان نمایان گردد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ج ۱۰، ۱۹۲).

نقش و کارکرد عقل در معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی تا آنجا است که قرآن حکیم کسانی را که از منبع عقل برای معرفت حقایق جهان هستی استفاده نمی‌کنند و از سرگذشت دیگران عبرت نمی‌گیرند، به نابینایان قلبی تعبیر نموده به صراحت تأکید می‌کند کسی که نتواند به صورت مستقل با بهره‌گیری از عقل و یا با متابعت از کسی که متابعت از او منعی ندارد، خیر را از شر و نفع را از ضرر بازشناسد، نابینای عقلی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۴، ۳۸۸) از این رو می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُون لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا» (حج: ۴۶)؛ و در آیه دیگر چنین افرادی را مستحق آتش جهنم دانسته می‌فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا ... لَا يَفْقَهُونَ بِهَا» (اعراف: ۱۷۹).

۳.۴.۵ تاریخ به مثابه منبع معرفت

نقش تاریخ در افزایش معرفت و معرفت‌آدمی از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن کریم در حدود ۱۳ بار امر به سیر و سیاحت در زمین و بررسی سرگذشت پیشینیان و

عواقب کنش‌ها و اقدامات آنان در کیفیت سرنوشت زندگی صالح و یا طالح آن‌ها نموده است قرآن حکیم به صورت قاطع و صریح تاریخ را جهت مطالعه عرضه کرده، (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۸) علم و آگاهی به سنن و قواعد ناظر به زندگی‌های گذشته از مجرای مطالعه، بررسی و تحلیل وقایع و حوادث (مطهری، ۱۳۸۴: ۷۱) آن را یکی از منابع معرفت محسوب نموده می‌فرماید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ...» (انعام: ۱۱)؛ همچنین در سوره فاطر می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا...» (فاطر: ۴۴)؛ و نیز در سوره نحل می‌فرماید: «فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا...» (نحل: ۳۶) و دیگر آیات مشابه (عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲؛ غافر: ۸۲؛ محمد: ۱۰).

مستفاد از آیات ذکر شده و آیات ناظر این است که مطالعه تاریخ یکی از منابع متقن معرفت می‌باشد و باید جهت کسب معرفت از طریق سیر و سیاحت در زمین مورد مطالعه واقع شود. به دیگر سخن مطالعه آثار تاریخی، تحولات زندگی جامعه بشری (مطهری، ۱۳۷۳: ۷۸) و تحقیق و بررسی صفحات عینی به جا مانده از ملت‌ها (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۲۴، ۴۸۰) از طریق سیر تاریخی - جغرافیایی در زمین (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵: ج ۹، ۳۴۸) و با چشم و دل دیدن (ابن عاشور، بی‌تا: ج ۶، ۳۰) حال گذشتگان، به مثابه منبع دستیابی به معرفت و آگاهی، مورد عنایت کلام وحی است؛ زیرا این رهنمود، آفاق و کرانه‌های اندیشه انسان را گسترش داده او را مطلع می‌گرداند بر نمونه‌ها و مثال‌ها و تاریخ زندگی‌ها و اوضاع و احوالی که در آن‌ها درس عبرت است، (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ج ۵، ۲۶۶۳).

بنابراین توجه به عاقبت کارشان از راه مساکن مخروبه و سر زمین‌های خالی، برای آنان که عبرت گرفته و بصیرت دارند کافی است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ۳۸۷؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱۰، ۲۲۷) تا به معرفت کافی در مورد عاقبت انکار پیام‌آوران الهی برسند و هوشیار شوند و بدانند که هر آنچه زمینه گرفتاری، بدبختی، گسستگی و در نهایت اضمحلال گذشتگان را رقم زده است، عاقبت حیات مردمان در حال و آینده را نیز متأثر خواهد ساخت.

خلاصه آنکه یکی دیگر از منابع معرفت و کسب معرفت، تاریخ و مطالعه حوادث گذشتگان است که در آیات یاد شده و آیه «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا...» (نمل: ۶۹) و دیگر آیات مشابه (عنکبوت: ۲۰؛ روم: ۴۲؛ غافر: ۸۲؛ محمد: ۱۰) مورد توجه و تأکید قرار گرفته و به عنوان یک منبع مفید و ارزشمند معرفی شده است.

۴.۴.۵ وحی به مثابه منبع معرفت

بر پایه گزاره‌های قرآن مجید هر آنچه که از سوی وحی نازل شده بی‌نقص و عیب و کامل و جامع می‌باشد (نحل: ۸۹؛ انعام: ۵۹؛ فصلت: ۴۲). ره‌آورد وحی این است که «با ورود وحی به عرصه فرهنگ انسانیت، بشر از انحطاط و سقوط رها، و درهای شکوه و تعالی به روی او باز، و خرده‌ها بارور، و دوران رشد و شکوفایی خردورزی آغاز، و عقلانیت بالید و بارور شد» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۱۸).

با توجه به این اهمیت مشاهده می‌شود که وحی به عنوان یک منبع غنی و قوی کسب دانش و معرفت در اختیار تمام انبیا الهی بوده و آنان از این نعمت سنگین الهی بهره‌مند بودند: قرآن در این باره می‌فرماید «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ...» (نساء: ۱۶۳).

بر اساس این آیه شریفه فهمیده می‌شود که وحی و نبوت، یک جریان و سنت خلل‌ناپذیر در تاریخ انسان بوده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، ۲۱۱) که ره‌آوردهای آن به واسطه انبیا الهی در اختیار بشر قرار داده شده است و گزاره‌ها و اعتبار آن نیز به عنوان یک منبع معرفت از چنان اتقان و استحکام برخوردار است که قرآن حکیم درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۖ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴).

به گفته ابن عاشور این توصیف خود کمال است (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۷/۱۰۰) در واقع این آیه شریفه این حقیقت را بیان می‌کند که معرفتی که مبتنی بر وحی باشد خطا و اشتباه در او راه ندارد «ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ» (یوسف: ۱۰۲).

کار وحی این است که یک حقیقت را خوب تبیین و تشریح نموده زوایایی پنهان او را آشکار ساخته و می‌شناساند و بعد آثار و پیامدها آن را ذکر نموده و تأکید می‌کند که نظام تکوین مبتنی بر این است که هر چیزی شرط و شروط خاص خودش را دارد که باید حفظ شود.

به عنوان مثال شما وقتی می‌خواهید متقی باشید وحی می‌فرماید دیگر نمی‌توانید با ظلم و ستم به آن برسید چون راه رسیدن به تقوی تکویناً با ظلم همخوانی ندارد؛ همچنین حقایق معارفی از قبیل کفر، نفاق، ایمان و... را آشکار می‌سازد که دانش بشری توان ورود به آن‌ها را ندارد. در واقع وحی عهده‌دار تبیین و تشریح همه جزئیاتی است که عقل توان فهم و درک آن را ندارد (اسراء: ۸۵؛ لقمان: ۳۴).

بخشی از این جزئیات به چگونگی ارتباط انسان با خداوند و اعمال عبادی وی اختصاص دارد؛ مانند احکام نماز، روزه، حج و نظایر آن. و بخشی دیگر، امور مربوط به ارتباط انسان با خود و دیگر موجودات (عالم خارج) است؛ مانند حدود و دیات، آداب معاشرت، معاملات، جهاد، حکومت، سنت صنعت، فن‌آوری و ابتکار، مدیریت و بسیاری از احکام دیگر که بیش‌تر به شئون دنیوی آدمی پیوند دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۲۹) بنابراین برای فهم و درک این مسائل چاره‌ای جز تمسک به دامن وحی نیست.

وحی با آن همه کارکردهای فراوانی که برای بشر در حوزه معرفت و معرفت‌افزایی و جهل‌زدایی دارد از سوی اندیشمندان و صاحب‌نظران مدیریت اقتضایی نادیده گرفته شده است و حال آنکه قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِينٌ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲).

برابر نص صریح این آیه شریفه وحی انسان را به ذخایر نهفته‌اش آگاه می‌سازد و راه نیل به اهداف والا و کمال مطلق و نهایی که همان رضوان الهی باشد نائل ساخته و او را به پایه برتر از عقل و دست آوردهای عقلانی و مرتبه بالاتر از مقام فرشتگان می‌رساند (نجم: ۸-۹) چون انبیا از دانستی‌های غیبی و ملکوتی و اخروی که دست عقل از آن کوتاه است خبر می‌دهند. و این مهم با این همه کارکرد در مدیریت رایج و به‌خصوص مدیریت اقتضایی هیچ جایگاهی ندارد.

۵.۵ نقد قرآنی اعتبار

نظریه‌های اقتضایی بر پایه حدس و گمان و احتمال بنا نهاده شده و فراتر از تجربه حسی نرفته است؛ بنابراین نمی‌توانند از اعتبار محکم و متقن برخوردار باشند زیرا فرضیه‌های غیریقینی دانش تجربی پیامی جز احتمال ندارد؛ لذاست که مشاهده می‌شود عوامل که ذکر می‌کنند در حد اقتضاست نه علت تام (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ج ۲، ۶۲۷).

از این رو قرآن کریم کسانی را که منفصل از وحی و صرفاً با تکیه بر ره‌آوردهای عقل حرکت می‌کنند مخاطب قرار داده می‌فرماید: «كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» (مؤمنون: ۵۳)، هرکس یافته‌ها و بافته‌های خود را دوست داشته و بر اساس آن زندگی می‌کند. و در

آیه دیگر تذکر می‌دهد به اینکه دانش که در اختیار بشر قرار داده شده است ناقص بوده و به تنهای نمی‌تواند سعادت دنیوی و اخروی‌اش را تأمین نماید. «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» (اسراء: ۸۵).

بر پایه نص صریح آیه شریفه فهمیده می‌شود که علم و آگاهی و دانسته‌های بشر در برابر آنچه که نمی‌داند بسیار اندک بوده و به تعبیری معلوماتش در برابر مجهولاتش به‌سان قطره‌ای است در برابر اقیانوس بی‌کران؛ بنابراین تنها دانشی که برایش نمی‌توان حد و حصر تعیین نمود و بلکه باید او را بی‌نهایت دانست علم خدای سبحان است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۶، ۶۷۶) از این رو اکثر پدیده‌ها و حقایق و وقایع عوالم خلقت و حتی عالم طبیعت برای انسان مجهول و نامتعارف است و معرفت آن نیاز به اتصال به منبع غنی چون وحی دارد. لذا بر اساس آیه شریفه انسان با دانش محدودی که دارد با انقطاع از گزاره‌های وحیانی قرآن کریم نمی‌تواند در شرایط پویای محیطی و عرصه‌های پرمخاطره رقابت، تضاد و تزامن موجود در سازمان‌ها با موفقیت عبور کند بلکه نیاز حتمی و قطعی به گزاره‌های وحیانی دارد.

جدول ۳. معرفت‌شناسی قرآنی

معرفت‌شناسی قرآنی		
ردیف	عنوان	یافته‌ها
۱.	ماهیت	از لحاظ ماهیت، معرفت صرفاً مادی و حسی پدیده‌ها را که حاصل تلاش‌های دانش اثبات‌گرایی بوده و ماهیت عینی‌گراییه دارد، محدود و ناقص معرفی کرده و کافی نمی‌داند.
۲.	موضوع	موضوع معرفت قرآنی خدا، انسان، محیط، پدیده‌ها و عوامل محیطی است.
۳.	ابزار	ابزار قرآن کریم شبکه‌ای بوده، نگاه افقی به رابطه پدیده‌ها باهم و نگاه عمودی رابطه آن‌ها با خالقشان را منظر قرار داده، ماهیت واقع‌نمایانه دارد.
۴.	منبع	منابع معرفت قرآن کریم گذشته از طبیعت و پدیده‌های عینی، عینیت‌های بیرونی و قابل مشاهده، عقل، تاریخ و وحی هست.
۵.	اعتبار	از لحاظ اعتبار معرفت نسبت به مکتب سیستمی از اعتبار عالی، ارزشمند و مطلوب و نامحدود برخوردار است.

۶. نتیجه‌گیری

معرفت در مدیریت اقتضایی مبتنی بر معرفت عینی و حسی بوده و علل و عوامل فوق طبیعی در تبیین گزاره‌های طبیعی را نادیده گرفته و به مطالعه پدیده‌های عینی (انسان محقق، سازمان، و محیط) می‌پردازد.

موضوع معرفت این مکتب محیط می‌باشد؛ زیرا مدعی است محیط نقش حیاتی در بقا و ادامه حیات سازمان دارد، چون داده‌ها و ستاده‌های سازمان از محیط تأمین می‌شود و ابزار معرفت آن هم به صورت شبکه‌ای و سیستمی است. در این نگرش باور بر این است که عوامل متعدد در کارای و اثربخشی سازمان تأثیر دارد ولی منبع معرفت عقل، حس و یافته‌های تجربی و پدیده‌های عینی و واقعی عالم خارج است.

همچنین روشن شد که اعتبار معرفت در این رهیافت بیش از مکاتب پیشین بوده و از این جهت از جامعیت نسبی برخوردار است؛ اما با این وجود روشن شد که معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی از منظر آموزه‌های وحیانی، دارای خلأها و نقدهای جدی است؛ زیرا بنیان این مکتب بر تحصیل‌گرایی استوار بوده و شکل دهنده‌ی موضوع آن فقط محیط و پدیده‌های مادی است درحالی که از منظر قرآن موضوع معرفت؛ خدا، انسان، طبیعت و درک چگونه وابستگی و پیوستگی آن‌ها می‌باشد.

یافته‌های قرآنی حاکی از آن است که انسان و محیط به شکل پیدا و پنهان از همدیگر تأثیر گرفته و بر یکدیگر اثر می‌گذارند و راز موفقیت و سبب آبادانی و رسیدن به رفاه و پیشرفت واقعی در ابعاد مختلف زندگی را بایست در این امر واریسی و پی‌جویی کرد. در منطق وحی ضمن توجه و تأکید بر اهمیت معرفت، تصریح و تأکید بر این است که هستی فراتر از دامنه‌ی پدیده‌های عینی و مادی است.

در حوزه‌ی هدف نیز تأکید بر این است که بایست سهم خود را به شکل مطلوب از عمر و مال و امکانات دنیا مبتنی بر تعهد، تقوا و تحصیل آخرت گرفت. نگرش اقتضایی ابزارهای معرفت را منحصر به امور مادی دانسته و سخنی درباره‌ی رابطه‌ی پدیده‌ها با خالق مطرح نکرده است؛ درحالی که در منطق قرآن شبکه‌ای از طریق ترکیب نگاه افقی به رابطه پدیده‌ها با هم و نگاه عمودی و طولی و رابطه آن‌ها با خالقشان در کانون توجه و تمرکز قرار دارد.

همچنین مدیریت اقتضایی منابع معرفت را منحصر به امور عینی، تجربه‌ی بشری و عقل منقطع از وحی می‌داند ولی در آموزه‌های قرآنی علاوه بر عقل، یافته‌های تجربی، طبیعت، تاریخ و مهم‌تر از همه گزاره‌های آسمانی به عنوان متقن‌ترین منبع معرفت مطرح شده‌اند. برآیند نهایی اینکه قرآن برخلاف رهیافت اقتضایی در حوزه‌ی معرفت‌شناسی رویکرد اومانستی به هستی را نپذیرفته و ضمن نقد جدی به موضوع، ابزار، منابع و اعتبار مبتنی بر این نوع معرفت، قائل به این است که معرفت تام نیازمند گزاره‌های وحیانی است.

جدول ۴. اشتراکات و افتراقات معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی با قرآن

اشتراکات و افتراقات معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی با قرآن کریم	
اشتراکات	افتراقات
موضوع: (محیط و عوامل محیطی)	خدا، انسان، محیط و ارتباط بین آنها
ابزار: (شبکه‌ای به صورت عینی و حسی)	حسی و عینی و فرامادی (شهودی)
منابع: عقل، یافته‌های تجربی، پدیده‌های عینی و واقعی	تاریخ و گزاره‌های وحیانی
اعتبار: (معتبر نسبت به مکاتب پیشین و محدود)	نامحدود و معتبر به خاطر اتصال به وحی واقع‌نمایی آن

پی‌نوشت

۱. این مقاله بر اساس شیوه‌نامه دوره قبل ارزیابی شده و پذیرش گرفته است و براساس شیوه‌نامه جدید لزوماً مورد قبول نیست.

کتاب‌نامه

- ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، بيروت، مؤسسة التاريخ، ج ۱، بی‌تا.
 ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب، چاپ سوم، بيروت: دار صادر.
 اسکات، ریچارد (۱۳۸۷). سازمان‌ها سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز، ترجمه حسن میرزایی اهرنجانی، تهران: سمت.
 آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بيروت: دارالکتب العلمیه.
 امین، نصرت بیگم (بی‌تا). تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، بی‌تا: بی‌جا.

ایران نژاد، پاریزی، مهدی، ساسان گهر، پرویز (۱۳۹۰). سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل، چاپ یازدهم، تهران: مؤسسه عالی آموزش بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

بوریل، گیبسون، مورگان، گارت (۱۳۸۳). نظریه‌های کلان جامعه معرفتی و تجزیه و تحلیل سازمان، ترجمه محمدتقی نوروزی، قم: سمت.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). انوار التنزیلو اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، چاپ چهارم، قم: مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). تسنیم، چاپ دوم، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). جامعه در قرآن، چاپ چهارم، قم: مؤسسه اسراء

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). زن در آینه جلال و جمال، چاپ نوزدهم، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، چاپ پنجم، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸). قرآن در قرآن، چاپ هشتم، قم: مؤسسه نشر اسراء

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). معرفت‌شناسی در قرآن، چاپ سوم، قم: اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). وحی و نبوت در قرآن، چاپ دوم، قم: اسراء.

حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴). انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران: لطفی.

حقیقی، محمدعلی (۱۳۹۲). تئوری‌های مدیریت، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

خسرو پناه، عبدالحسین (۱۳۹۰). کلام جدید، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.

رضائیان، علی (۱۳۷۶). تجزیه و تحلیل و طراحی سیستم، تهران: سمت.

رضائیان، علی (۱۳۹۲). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ شانزدهم، تهران: سمت.

قطب، سید (۱۴۱۲). فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.

سید جوادین، سید رضا (۱۳۹۰). نظریه‌های مدیریت و سازمان، چاپ سوم، تهران، نگاه دانش.

صادق پور، ابوالفضل (۱۳۸۵). اصول و مبانی سازمان و مدیریت، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگ و اندیشه.

صادق تهرانی، محمد (۱۳۶۵). الفرقان فی تفسیرالقرآن بالقرآن، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.

صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳). شرح اصول کافی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

نقد معرفت‌شناسی مدیریت اقتضایی ... (علی آقا صفری و عبدالله توکلی) ۴۳۹

- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، تهران، ناصرخسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین، چاپ سوم، تهران: مرتضوی.
- علیزاده، عبدالرضا (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی معرفت، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- غزالی، ابو حامد محمد (بی تا) احیاء علوم الدین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). العین، قم: نشر هجرت.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴). مصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجره.
- فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹). تفسیر من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک للطباعه و النشر.
- قاسمی، بهروز (۱۳۹۰). مدیریت رفتار سازمانی، چاپ دوم، تهران، سپاهان.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کریتنر، رابرت، کینیکی، آنجلو (۱۳۹۰). مدیریت رفتار سازمانی (مفاهیم - نظریه‌ها و کاربردها)، ترجمه علی اکبر فرهنگی، حسین صفرزاده، چاپ چهارم، تهران: برآیند پویش.
- گائینی، ابوالفضل (۱۳۹۰). درس‌نامه مبانی معرفت‌شناسی تئوری‌های سازمان و مدیریت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- لرر، کیث (۱۳۹۶). نظریه معرفت، ترجمه مهدی عبدالهی، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مارتین، رابرت، معرفت‌شناسی، ترجمه نسترن ظهیری، تهران، ققنوس، چ ۱، ۱۳۹۴.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). معارف قرآن، خداشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، چاپ پنجم، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۴) جامعه و تاریخ، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). مجموعه آثار، چاپ پنجم، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). مسئله معرفت، چاپ هشتم، تهران، انتشارات صدرا.

۴۴۰ پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، سال ۲۲، شماره ۹، آذر ۱۴۰۱

- معلمی، حسن (۱۳۸۸). معرفت‌شناسی در فلسفه غرب، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- موزر، پل (۱۳۸۵). در آمدی موضوعی بر معرفت‌شناسی معاصر، ترجمه رحمت‌الله رضایی، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- میرزایی اهرنجانی، حسن، سرلک، محمدعلی (۱۳۸۴). نگاهی به معرفت‌شناسی سازمانی: سیر تحول، مکاتب و کاربردهای مدیریتی، پیک نور، سال سوم، ش سوم.
- نوریس، کریستوفر (۱۳۸۹). معرفت‌شناسی: مفاهیم کلیدی در فلسفه، ترجمه ناصرالدین علی تقویان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- نیکو اقبال، علی اکبر (۱۳۷۸). نظریه اقتضا: تأثیر متغیرهای نوعی موقعیت در ساختار سازمانی، شماره ۴۵ و ۴۶.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان (۱۳۸۷). تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب.
- هچ، مری جو (۱۳۸۹). نظریه سازمان (مدرن، نمادین - تفسیری، پست مدرن)، ترجمه، حسن دانایی فرد، چاپ دوم، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۸۵). مدیریت عمومی، بیست و هفتم، تهران: نشر نی.
- الوانی، سید مهدی (۱۳۶۸). نقدی بر منطق عقلی جدید و آثار آن بر نظریه‌های سازمان، مجله دانش مدیریت، ش ششم و هفتم.